**نقد کتاب: تلاشی گسترده و عظیم در ترجمه قرآن حکیم**

**میرابوالقاسمی، سید محمد تقی**

\*

تلاشی گسترده‏ در ترجمه قرآن حکیم

ترجمهء:محمد خواجوی

ناشر:مولی

اگر بگوئیم ترجمه و تفسیر قرآن به اندازهء زمان نزول وحی و دعوت به اسلام دارای‏ سرگذشتی است دور از حقیقت نخواهد بود.درست است که عموم مسلمانان صدر اسلام به‏ آسانی می‏توانستند مفاهمیم آیات را دریابند و غالبا مجاز و استعاره و ایهام و محکمات و متشابهات کتاب خدا را که به زبان آنان بود بشناسد و یا اگر هم در فهم بعضی از ایات دچار اشکال می‏شدند پیامبر آن دسته از واژه‏ها و آیات را می‏شناساند.اما این امر برای مسلمانان‏ خارج از حوزه اولیه و در سالهای نخست باز هم به کلمات و واژه‏هائی برخورد می‏شود که یا کمتر مخاطب بوده است و یا مورد استعمال همگان در همان حوزه‏های اولیه نبود و به عبارت‏ دیگر اگر بگوئیم تمام الفاظ قرآن عربی محض است باید بپذیریم فرهنگ واژه‏ها گسترده و وسیع بود.حتی مفاهمیم بعضی از آنها بر شخصیتهای برجسته روشن نبوده است که معنی«فاطر» و«فتح»بر ابن عباس پوشیده می‏ماند.شافعی می‏گوید:«جز پیغمبر کسیی بر لغت احاطه ندارد (-ترجمه الاتقان فی علوم القرآن ج 1،ص 472).

بنابراین کار فهم مطالب قران رفته رفته به دشواری گرائید و موضوع تفسیر قرآن در پایگاههای اولیه اسلام آغاز می‏گردد و علی علیه السلام نخستین کسی است که از آن حضرت‏ روایات زیادی در تفسیر قرآن می‏بینم.بنابر مشهور نخستین شخصی که به تدوین مجموعه‏ای به‏ نام تفسیر پرداخت مجاهد بود که به سال 104 هجری درگذشت اما با پیدا شدن نسخی از تفسیر قرآن‏که به ابن عباس منسوب است می‏توان گفت کار تدوین تفسیر بر قرآن،به وسیله او که در 68 هجری وفات یافت آغاز گردید و رفته رفته آگاهان دیگری دست به کار شدند و ابن ندیم‏ ضمن توجه به شاخه‏های مختلف علوم قرآنی به تعدادی از مفسّران تا آن زمان اشاره می‏کند که‏ شایان توجه است(-الفهرست ص 59 به بعد).از سعید بن جبیر نیز کتابی در تفسیر نام برده‏ می‏شود(-مجمع البیان ج 1،ص 12).او که در سال 46 هجری وفات یافت در آغاز نسبت‏ به کار خود تردید داشت که آیا جمع‏آوری مجموعه‏ای در بارهء قرآن لازم است یا خیر که در این صورت باید گفت کار تفسیرنویسی از پایان نیمهء قرن اول هجری آغاز گشت و رفته رفته‏ بر ذخائر فرهنگ قرآنی افزوده می‏گردد و بعضی از آن آثار مانند تفسیر طبری در میان فرق‏ مختلف اسلامی که عموما با داشتن مشربهای گوناگون کلامی به آن توجه و اعتماد دارند از ارزش و احترام خاصی برخوردار است.

اگر فهرستی از مشکل کار مفسّران پیدا کنید،تشخیص وجوه قرآن و محکمات و متشابهات می‏تواند از جمله مهمترین آنها باشد.وقتی آیات قرآنی را به دو بخش کلی محکم و متشابه تقسیم نمائید بخش اول را«ام الکتاب»تعبیر می‏کنند.در شناخت متشابهات باید از محکمات کمک گرفت.کسانی که می‏خواهند در اندشه و استدلال از قرآن کمک بگیرند ناگزیر به شناخت این دو دسته از آیات خواهند بود.در اینجا باید به این نکته اشاره گردد که‏ در طول تاریخ هزار و چهارصد ساله اسلام از پاک‏ترین معیارها و ارزشهای بشری زشت‏ترین‏ سودها برده شده است و بسیاری از انسانها به نام قرآن معصومانه فریب خورده‏اند در صورتی که‏ این کتاب آسمانی مسلمانان را به دقت و داروی عقل و خرد می‏خواند.بنابراین شناخت وجوه‏ قرآن می‏تواند از معضلات کار مفسر بوده باشد.آیات محکم آن دسته از آیاتی است که‏ معنایشان روشن و قاطع است مانند:

فاعلم انه لا اله الا اللّه

(19-محمد).

قل هو اللّه احد

(1- توحید).

ان اللّه یامرکم ان تؤدو الامانات الی اهلها

(58-نساء).و غیره.با توجه به اینکه‏ مفسران در معنی امانات دارای آراء متفاوتی می‏باشند ولی این آرا پراکنده شبهه‏ای در اصل‏ موضوع ایجاد نمی‏کند-اما متشابه آیاتی است که دو یا چند معنی در مفاهیم کلی آن راه یافته‏ و اگر به ظاهر معنای واژه بنگریم دچار لغزش می‏شویم که ممکن است هم با محکمات و هم با اصول و مبانی تفکر اسلام بیگانه باشد،مانند:

الرحمن علی العرش استوی

(5-طه)

-یداله فوق‏ ایدیهم و...

(10-فتح)طبیعی است که در تفسیر این دسته از آیات باید از محکمات کمک‏ گرفته البته در اینجا کلمه تفسیر تا حدودی معادل واژهء تأویل خواهد بود و قرآن در این مرحله‏ چنین می‏گوید

-و ما یعلم تأویله الا اللّه و الراسخون فی العلم یقولون امنا به کل من عند ربنا و ما یذکر الا اولوالالباب

(7-آل عمران).با این مقدمه وقتی که به ترجمه آقای خواجوی برگردیم‏ می‏بینیم استاد با استفاده از معادر شناخته شده در نزد بزرگان علم تفسیر،کاری مهمتر از یک ترجمه و تفسیر انجام داده است و با سرافرازی مجموعه کاملی از فرهنگ وجوه قرآن را که تا این‏ زمان به صورت پراکنده در متون مورد اعتماد دنیای اسلام بود به وجود آورده است.هرچند خود را شناگری می‏داند که خاضعانه بر زورق کوچکی نشسته و در میان کشتی‏نشینان در دریای توفندهء معانی واژه‏ها به پیش می‏رود اما پیروزمندانه به ساحل می‏رسد.استاد خواجوی‏ مانند طبری چهل سال از عمر خود را با قرآن گذراند و بجاست سخن امام فرغانی حنفی(وفات‏ 569 هـ)را که از بزرگان سنت بود و آنچه را که درباره طبری گفته است تکرار کنم که‏ می‏گوید:«هر کس بخواهد قرآن را چنان‏که نازل شده است بشنود باید از این کتاب-یعنی‏ تفسیر طبری-بشنود.»کار عظیم استاد خواجوی نیز برای نسل ما و عصر ما آن اندازه باارزش‏ است که نمی‏توانم واژه و عبارتی جز آنچه را که درباره طبری گفته شد بیاورم.

درهرحال ملخص سخن بیانی است که استاد بهاء الدین خرمشاهی دربارهء این ترجمهء عظیم از قرآن حکیم ایراد داشته‏اند و آن اینکه:این ترجمه با در حدود ده هزار پی‏نوشت‏ ارجاعی کتابشناختی در پای صفحات و نشان دادن منبع و مستند هر معنا و با هزاره فقره ارجاع‏ شأن نزولی در توضیح مبهمات یکی از شیواترین،جدیدترین،علمی‏ترین و کم‏اشکال‏ترین‏ ترجمه‏های جدید قرآن است و به کار همهء قرآن پژوهان و یا کسانی که نیاز به ترجمهء دقیق و سر راست و متین و مستند از قرآن کریم دارند،می‏آید.

ترجمهء آقای خواجوی ترجمه‏ای عالمان و استادانه است و دارای مقدمه و مؤخره‏ای مفصل‏ در شأن نزول آیات و مبهمات قرآن بوده و دوزبانه می‏باشد یعنی متن مصحف شریف در صفحات دست راست(زوج)و ترجمه در مقابل آن در صفحات دست چپ(فرد)آمده است. مقدمه که خود رساله‏ای مستقل در زمینهء قرآن‏شناسی است شامل دوازده مشرق است که هر فصل‏ یا مشرقی با فصلهای فرعی به نام اشراق تقسیم شده است.

ایشان خود از صدراشناسان نامدار عصر حاضر هستند و در دو دههء اخیر چندین متن‏ اساسی از آثار صدرالمتألهین(ملا صدرا)را تصحیح و نیز ترجمه کرده‏اند که تصحیح و ترجمهء ایشان در این زمینه در حدود چهل جلد می‏شود.

ما پیروزی و موفقیت ایشان را از خداوند منان خواهانیم.و من یفعل الحسنات و اللّه‏ یشکره.